

بررسی وضعیت حقوقی سازمان‌های مدیریت جمعی در جهان کنونی

زهرا شاکری^۱

حکیمه محمدی^۲

چکیده

سازمان‌های مدیریت جمعی، گونه منسجم و جمعی اداره حقوق مالکیت ادبی و هنری هستند که در موقعیت‌های ناشی از پیچیدگی و گستردگی دسترسی به آثار، به احقاق حق مؤلفان و هنرمندان می‌پردازند. این سازمان‌ها در کشورهای مختلف با عنایت به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملی از تنوع زیادی برخوردارند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود با تکیه بر روش تحلیلی - توصیفی ضمن مطالعه تطبیقی سازمان‌ها در کشورهای گوناگون، تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌های حقوق نوشته و عرفی را در تأسیس سازمان، نقش دولت در سازمان‌ها، روابط اعضا و کاربران با سازمان واکاوی نموده و سرانجام به بیان پیشنهادات مقتضی بپردازد. با وجود این، می‌توان پذیرفت که اکنون مرزهای سنتی نظام حقوق نوشته و عرفی دچار تغییر شده و از یکدیگر متأثر گردیده‌اند. از این رو سازمان‌های معاصر آمیزه‌ای از هر دو نظام خواهند بود.

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت ادبی و هنری، سازمان‌های مدیریت جمعی، مؤلفان و هنرمندان، حق الامتیاز، نظام‌های حقوقی

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده

Email: zshakeri@ut.ac.ir

مسئول)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

حقوق مالکیت ادبی و هنری با گرایش فردگرایانه و تمرکز بر حقوق انحصاری مؤلفان و هنرمندان ظهور یافته و مقررات بین‌المللی مانند کنوانسیون برن نیز این وضعیت را تثبیت نموده‌اند، اما امروزه با ظهور فناوری‌های نوین، مانند امکان پخش رادیو و تلویزیونی گسترده، پخش اینترنتی و نوآوری‌های شگفت‌انگیز صنعت تلفن همراه، آثار ادبی و هنری فارغ از موافقت مؤلفان و هنرمندان در دسترس عموم قرار می‌گیرد و گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله دانش‌آموزان، دانشجویان، پژوهشگران و مبتکران آینده نیز به بهره‌برداری از آثار تمایل دارند. در شرایطی که از یکسو تعداد انبوهی از مؤلفان و هنرمندان از اختیارات قانونی گسترده برخوردار هستند و از سوی دیگر گروه‌های متعددی از مصرف‌کنندگان در پی دستیابی به اشکال متفاوت آثار هستند، سازمان‌های مدیریت جمعی، سازوکاری جدی و مؤثر برای اعمال حقوق صاحبان آثار به شمار می‌آیند.

در جهان کنونی با توسعه فناوری‌های نوین و تسهیل حوزه‌های دسترسی به آثار و مطرح‌بودن حقوق قانونی جدید برای صاحبان حق، سازمان‌ها می‌توانند به برون‌رفت از چالش‌هایی مانند بحران نقض حق مالکیت ادبی و هنری به ویژه در محیط دیجیتال و اخذ دشوار رضایت از مؤلفان و هنرمندان مساعدت نمایند، البته این در وضعیتی است که صاحبان حق می‌توانند تدابیر مهمی (مانند شروط قراردادی محدودکننده یا تدابیر فنی مانند غیر قابل نسخه‌برداری بودن اثر) را برای محدودیت دسترسی به اثر ایجاد کنند و همزمان به موازات محدودیت‌های صاحب حق، گسترش اینترنت بستری را برای استفاده عمومی فراهم نماید. به عبارت دیگر، از یکسو محدودیت اعمال می‌شود و از سوی زمینه دسترسی به لحاظ رشد فضای مجازی بیشتر می‌شود از این رو ممکن است حقوق مالکان آثار ادبی و هنری و

حقوق مصرف‌کنندگان در نبردی خطرناک با یکدیگر قرار گرفته و جامعه را با هرج و مرج مواجه نمایند.

در اینجا سازمان‌ها می‌توانند نقش میانجی این رابطه را به نحو مطلوبی ایفا کنند. بنابراین با ظهور سازمان‌های مدیریت جمعی، انتقال وضعیت از انحصار مطلق به تجویز دسترسی هدمند و مدبرانه مصرف‌کنندگان به وقوع می‌پیوندد. مدیریت جمعی در نظام‌های مختلف حقوقی دارای اشکال متعددی بوده و می‌تواند بازتابی از سیستم حقوقی نظام حقوق عرفی یا نوشته، فرهنگ سیاسی و اجتماعی و... هر کشور باشد. در این شرایط مطالعه مقررات ملی کشورهای مختلف و کسب تجربه برای کشوری مانند ایران که بارقه‌های ایجاد سازمان‌هایی این‌چنینی در آن جدی شده بسیار مهم است.

به طور کلی، دو نظام حقوق عرفی و نوشته دارای شاخصه‌های اختصاصی هستند. در نظام حقوق نوشته معمولاً یک سازمان برای هر زمینه ادبی یا هنری وجود دارد و تأسیس تا انحلال تحت نظارت دولت است، یعنی دولت هم بر تأسیس نظارت دارد و هم بر دوران حیات و فعالیت سازمان. در این نظام، مداخله دولت جهت جلوگیری از سوء استفاده آتی سازمان صورت می‌گیرد و انحصار سازمان یک اصل است. (دیتز، ۲۰۰۲ م.) به طور مثال در چین در هر حوزه فقط یک سازمان می‌تواند وجود داشته باشد، لذا سازمان‌ها در کار خود دارای انحصار هستند (ماده ۷ RCCA). در برخی کشورهای دیگر مانند آلمان، قانون منعی برای وجود چند سازمان در یک رشته ایجاد نکرده است، اما در عمل تنها یک سازمان در هر رشته فعالیت می‌نماید و این بدان معنا است که سازمان‌ها به صورت انحصاری عمل می‌کنند، (جرویس، ۲۰۰۲ م.) اما در نظام حقوق عرفی، یک الگوی آنتی تراست با هدف حذف یا جبران موقعیت انحصاری وجود دارد، (جرویس، ۲۰۱۱

م.) لذا سازمان‌های متعدد در یک موضوع می‌توانند وجود داشته باشند (به ویژه در حق اجرای موسیقی^۱) تا رقابت‌های سازنده‌ای جهت ارتقا و تعالی اقتصاد و فرهنگ تحقق یابد. در کشورهای نظام حقوق عرفی معمولاً دامنه رقابتی وجود دارد.

این دگراندیشی به تفاوت فلسفی دو نظام حقوقی باز می‌گردد، زیرا یک نظام متکی بر مبانی حقوق بشر و دیگری مبتنی بر نفع‌گرایی است. در نظام رومی - ژرمنی، اصالت با شخص مؤلف و هنرمند است و سازمان مدیریت جمعی نیز بیشتر به سوی حفظ حقوق انحصاری صاحب حق پیش می‌رود، اما در نظام حقوقی عرفی، پیشرفت علمی و فرهنگی در اولویت سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد و سازمان‌های مذکور، با تنوع و دامنه اختیارات گسترده، دسترسی عمومی به آثار را پیگیری می‌نمایند.

مقاله حاضر تلاش می‌نماید در مطالعه تطبیقی خود به بررسی مسائل مربوط به سازمان‌ها بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که فرایند تأسیس سازمان، رابطه سازمان با اعضا و کاربران در کشورهای گوناگون که از نظام سیاسی و اجتماعی متفاوتی برخوردار هستند چگونه تحلیل و تبیین می‌شود؟ علاوه بر این، میزان مداخله و نقش دولت در تشکیل و فعالیت سازمان‌ها تا کجا و به چه کیفیتی است؟ این مقاله درصدد است با تکیه بر روش تحلیلی - توصیفی و با بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای موضوع خود را بررسی و سرانجام با عنایت به نتایج مطالعه تطبیقی، پیشنهادات مقتضی را برای نظام حقوقی ایران ارائه نماید. در ابتدا تأسیس سازمان مدیریت جمعی از منظر ساختار، اعضا، حقوق انحصاری صاحبان حق، تکالیف سازمان در برابر اعضا و سرانجام کیفیت خروج از سازمان بررسی می‌شود. سپس رابطه سازمان و کاربران، نقش دولت در سازمان، سازوکارهای نظارتی غیر دولتی و مقررات پرداخت حق‌الامتیاز مطالعه می‌گردد. لازم به ذکر

است از هر نظام حقوقی چند کشور جهت مطالعه برگزیده شده است که این امر بر اساس تجربه آن کشورها در ایجاد سازمان و مدیریت جمعی بوده است.

الف - تأسیس سازمان مدیریت جمعی

سازمان‌های مدیریت جمعی در کشورهای مختلف با اسامی متفاوتی خوانده می‌شوند. به طور مثال، در فرانسه این سازمان‌ها با نام جوامعی جهت جمع‌آوری و توزیع حق‌الامتیاز مؤلفان، مجریان و تولیدکنندگان فونوگرام و ویدئوگرام شناخته می‌شوند (L 321-1). در برخی کشورها به صورت انجمن هستند، چنانکه در برزیل به این قبیل سازمان‌ها، انجمن دارندگان حق مؤلف و حقوق مجاور گفته می‌شود^۲ یا در امارات از آن به عنوان انجمن حرفه‌ای خاص که به اداره جمعی حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط می‌پردازد یاد می‌شود (ماده ۳۰).

در برخی کشورها نیز نه به عنوان سازمان یا انجمن یا جامعه، بلکه به عنوان یک سرویس یا خدمت تلقی شده که تحت نظارت دولت ارائه می‌شوند. از زمره این کشورها، کره جنوبی است که در آن سازمان‌ها به عنوان خدمات مدیریت حقوق مالکیت ادبی و هنری^۳ خوانده می‌شوند.

در نظام‌های حقوق عرفی مانند انگلیس این سازمان‌ها تحت عنوان هیأت صدور مجوز^۴ فعالیت گسترده‌ای در تمامی اشکال کپی‌رایت دارند (ماده ۱۱۶). در آمریکا انجمن اجرای حقوق^۵ با تمرکز بر حوزه موسیقی ایفای نقش می‌کند (ماده ۱۰۱). بنابراین در حیطه عنوان سازمان نمی‌توان به الگوی ثابتی در کشورها دست یافت. در ادامه به بررسی ساختار سازمان، رابطه سازمان و اعضا، اعمال حقوق انحصاری، تکالیف سازمان در برابر اعضا و سرانجام مقررات خروج از سازمان پرداخته خواهد شد.

۱- ساختار سازمان

سازمان مدیریت جمعی معمولاً در قالب یک شرکت تأسیس می‌شود که البته این شرکت بیشتر به صورت مدنی است تا تجاری، زیرا سازمان صبغه غیر تجاری دارد. به طور مثال در فرانسه، جامعه مدیریت جمعی در قالب شرکت‌های مدنی تشکیل می‌شود و باید حداقل یک بازرس داشته باشند تا مانند شرکت‌های تجاری به وضعیت مالی آن‌ها رسیدگی شود. (جرویس، ۲۰۰۱ م.) در بعضی کشورها صراحتاً بر ماهیت غیر تجاری سازمان تأکید می‌شود. مانند برزیل که کشوری مبتنی بر حقوق نوشته است مؤلفان و دارندگان حقوق مجاور می‌توانند انجمن غیر انتفاعی برای اعمال و دفاع از حقوق خویش تشکیل دهند (ماده ۹۷)، اما در کشورهای نظام حقوق عرفی انتفاعی بودن سازمان امر بعیدی نیست، چنانچه در انگلیس اکثریت سازمان‌ها به صورت شرکت تجاری با مسؤولیت محدود تشکیل می‌شوند (عبارت LTD در انتهای عنوان آن‌ها دیده می‌شود). در آمریکا نیز دو انجمن به صورت غیر انتفاعی و یکی به روش انتفاعی فعالیت دارند. (جرویس، ۲۰۰۱ م.) بنابراین برخلاف کشورهای نظام حقوق نوشته، بعضاً در نظام‌های حقوق عرفی، گرایش تجاری در فعالیت‌های سازمان مشاهده می‌شود.

برخی کشورها مانند ترکیه با دقت و نکته‌سنجی به شرح ساختار سازمان می‌پردازند. در این کشور هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند انجمن را تشکیل دهد و انجمن از شخصیت حقوقی برخوردار و تابع حقوق خصوصی است. انجمن‌ها دارای چند رکن اصلی شامل مجمع عمومی، هیأت مدیره، هیأت بازرسان، هیأت علمی - فنی و کمیته انضباطی هستند (ماده ۳۳)، اما بسیاری از کشورها از بیان اشخاصی که می‌توانند سازمان را تأسیس کنند خودداری شده و آن را به سکوت برگزار می‌نمایند. کره جنوبی که در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه

ساختار حقوقی منظمی دارد، به مبحث ویژگی‌های سلبی مؤسسين نیز ورود می‌نماید. در این کشور، بعضی اشخاص نمی‌توانند به خدمات مدیریت کپی‌رایت پردازند که از آن جمله می‌توان به اشخاصی که سابقه محکومیت کیفری داشته یا ورشکسته هستند یا اقامتگاهشان در کره نیست، اشاره کرد (بند ۳ ماده ۱۰۵). سرانجام آنکه پیش‌بینی ساختار دقیق سازمان‌ها و اوصاف مؤسسين می‌تواند از سوء استفاده احتمالی جلوگیری نماید. از این رو مقرر کشور کره و ترکیه در مقایسه با سایر کشورها مرجح به نظر می‌رسد.

۲- سازمان مدیریت جمعی و اعضا

در بعضی از کشورها صراحتاً به اشخاصی که می‌توانند عضو سازمان شوند و از خدمات آن استفاده نمایند پرداخته می‌شود، اما در بعضی دیگر نیز به عبارتی نظیر دارندگان حق اشاره می‌شود و تفسیر آن به نظام حقوقی هر کشور باز می‌گردد. به طور مثال در مواد ۱۰۱ و ۱۱۴ (بخش D قست دوم) قانون آمریکا صرفاً از دارنده کپی‌رایت نام برده شده است. در برخی کشورها، اشخاص حقوقی نیز می‌توانند به عضویت سازمان در آیند. به طور نمونه در آلمان، اگر شرکتی در اتحادیه اروپا دفتر داشته باشد می‌تواند به عضویت سازمان دست یابد.^۶ مطابق با مطالعه نگارندگان مقاله اگرچه تفاوت‌هایی به صورت موردی میان برخی کشورها وجود دارد، اما از این حیث تفاوت ماهوی محسوسی میان نظام حقوق نوشته و عرفی وجود ندارد.

اگرچه ذکر صریح اعضا می‌تواند از تشتت آرا جلوگیری کند، اما با این حال استفاده از عباراتی عام امکان تفسیر موسع را فراهم کرده و این امر باعث می‌شود افراد بیشتری از خدمات سازمان بهره‌مند شوند.

در قانون فرانسه تأکید می‌گردد مؤلفان، مجریان و تولیدکنندگان فونوگرام و ویدئوگرام، ناشران یا قائم مقامان آنها اعضای سازمان هستند و این از مواردی است که به ذکر صریح اعضا پرداخته شده است. در برخی کشورها، مؤلفان و هنرمندان خارجی نیز می‌توانند به عضویت سازمان درآیند و یا حتی بدون عضویت رسمی از خدمات سازمان برخوردار شوند. در اینجا می‌توان استنباط نمود که نظام حقوق نوشته بیشتر به حمایت از مؤلف و هنرمند متمایل است تا صاحبان حق، اما در نظام حقوق عرفی از اطلاق عنوان دارنده حق برای پوشش گسترده اشخاص متعدد استفاده می‌شود.

علاوه بر این، تعداد اعضا نیز می‌تواند از اهمیت برخوردار باشد. در کشورهای نظام حقوق عرفی اروپای شمالی در خصوص تعداد مهم و قابل ملاحظه^۷ صاحبان حق سخن گفته می‌شود، اما قانون از لحاظ کمی و کیفی، آن را روشن نمی‌نماید و معمولاً وزارت فرهنگ یا آموزش باید تشکیل سازمان را تأیید نماید، (جرویس، ۲۰۰۳ م.) اما می‌توان گفت به طور کلی، به نظر می‌رسد یک سازمان باید قادر باشد تعداد زیادی از صاحبان حق در رشته مورد نظر خود را نمایندگی نماید یا حداقل نماینده مؤلفان و هنرمندان مشهور و دارای آثار برجسته باشد، زیرا در این صورت می‌تواند مجموعه‌ای را خلق نماید که واجد جذابیت‌های فراوانی برای کاربران است. در این بخش قلمرو انتقال حقوق به سازمان، توزیع درآمد، عضویت صاحبان حق خارجی، توانایی اعضا برای مراجعه به محاکم جهت پیگیری حق از موضوعات مهم است.^۸ به طور مثال باید بررسی کرد که آیا مؤلف و هنرمند ناگزیر است که به صورت انحصاری همه حقوق حال و آینده خود را به سازمان منتقل نماید؟ کمیسیون اروپا معتقد است اگر انتقال اجباری کلیه حقوق و در همه شقوق روی دهد، رقابت غیر منصفانه تحقق یافته است.^۹ همچنین در پرداخت حق‌الامتیاز نباید

تبعیضی وجود داشته باشد. به طور مثال، سازمان نباید فقط به بعضی از اعضا پرداخت انجام دهد یا از پرداخت به اتباع خارجی خودداری نماید. (بنتلی و همکاران، ۲۰۰۹ م.) از سوی دیگر باید مقرراتی در خصوص انصراف اعضا یا فسخ قرارداد با سازمان وجود داشته باشد (تافت، ۲۰۱۰ م.) و در صورتی که صاحب حق از خود سلب حق کلی نماید یا برای دوره طولانی از خود سلب حق نماید، برخلاف مقررات رقابت تلقی می‌شود. مدت زمان اعطایی به سازمان‌ها برای استفاده از حقوق در کشورها متفاوت است. در اتحادیه اروپا ۶ کشور حداکثر مدت را پیش‌بینی کرده‌اند که از ۳ تا ۵ سال متغیر است. بیشتر سازمان‌های مدیریت جمعی در آلمان مدت ۳ سال را پیش‌بینی کرده‌اند به جز یک سازمان که ۶ سال است. در اسپانیا نیز این مدت ۵ سال است (ماده ۱۴۸ قانون کی‌رایت اسپانیا).

این نکته‌سنجی در خصوص مدت قرارداد و دامنه حقوق در بیشتر کشورهای حقوق نوشته پیگیری می‌شود و در مقررات اتحادیه اروپا نیز انعکاس یافته است. این امر در کشورهای نظام حقوق عرفی مانند انگلیس مطابق قرارداد است که البته بایستی شش ماه قبل اخطاری دال بر قصد خروج داده شود. (جرویس، ۲۰۰۳ م.) بنابراین به نظر می‌رسد کشورهای حقوق عرفی، تفسیر خود از سلب حق کلی را در تنگنای مطلق ابطال تبیین و توضیح نمی‌دهند و آزادی قراردادی می‌تواند امکانات گسترده‌تری را فراهم نماید. به عبارت دیگر، کشورهای حقوق عرفی محدودیتی از نظر مدت قرارداد یا نگرانی در خصوص انتقال حقوق آینده ندارند، اما در کشورهای حقوق نوشته از آنجا که سلب حق کلی باطل است قراردادهای با بازه زمانی مشخص و محدود و درج حقوق انتقال یافته منعقد می‌شوند.

۳- سازمان مدیریت جمعی و حقوق انحصاری

یکی از مهم‌ترین موانع سازمان‌ها، کسب حقوق صاحبان حق است تا بتوانند مجوزهای لازم را به مصرف‌کنندگان آثار اعطا نمایند، البته کسب حق می‌تواند قالب‌های قراردادی مختلفی مانند انتقال، مجوز قراردادی، حق انتفاع و... داشته باشد و به موازات آن ضروری است حقوق کاملی را به دست آورند یا اجازه اعمال حقوق بیشتری را داشته باشند. این امر کمیت و کیفیت حق را مد نظر دارد، لذا اگر سازمانی حقوق بیشتری را در اختیار داشته باشد، می‌تواند مجموعه منحصر به فردی را به مخاطبان ارائه نماید، اما سازمانی که از نیروی کمتر حقوقی برخوردار است نمی‌تواند خدمات مقتضی و شایسته‌ای را در اختیار جامعه قرار دهد. مهم‌ترین محیط نقض حق در اینترنت است و اگر سازوکار برجسته‌ای برای اخذ رضایت صاحب حق و پرداخت ما به ازا نباشد، مصرف‌کننده بدون پرداخت یا اخذ اجازه از اثر استفاده می‌کند. این وضعیت به نفع هیچ کس نیست، زیرا صاحب حق نمی‌تواند همه محیط‌های قابل دسترس اثر را کنترل نماید و این به معنای کاهش ارزش حقوق مالکیت ادبی و هنری است، نه کاهش صرف منافع اقتصادی صاحب حق. بنابراین بقای حقوق مالکیت ادبی و هنری به مدیریت مؤثر و سازمان‌دهی شده حقوق وابسته است، امری که از طریق سازمان‌ها اعمال می‌شود.^{۱۰}

به طور کلی سازمان‌ها مسؤول مدیریت حقوق صاحبان حقی هستند که به آن‌ها اجازه داده‌اند و این‌که سازمان بتواند رضایت همه صاحبان حق را جلب نماید غیر ممکن است. همچنین بسیاری از سازمان‌ها مجموعه کاملی از آثار را در اختیار ندارند. با وجود آنکه اطلاع‌رسانی گسترده‌ای توسط دولت و سازمان‌ها می‌شود، ولی بسیاری از صاحبان حق یافت نمی‌شوند یا از وجود مدیریت جمعی بی‌اطلاع هستند. بنابراین باید به دنبال سازوکار حقوقی مناسبی بود.

در برخی از کشورها، مؤلفان و هنرمندان باید در انتخاب سازمان مورد نظر خود دقت نمایند، زیرا فقط می‌توانند به عضویت یک سازمان درآیند. در این مواقع نیروی سازمان به صورت گسترده بر حق انحصاری صاحب حق فایق می‌آید، مثلاً در چین هنگامی که صاحب حق با سازمان قرارداد منعقد می‌نماید، وی نمی‌تواند با دیگری در همان حوزه و زمان، قرارداد منعقد نماید، لذا مجوز چهره انحصاری دارد^{۱۱}، اما در بعضی از کشورها، سازمان محدودکننده قدرت صاحبان حق نیست و اعضا می‌توانند آزادانه تمایلات خود را به سازمان اعلام یا با سازمان‌های دیگر نیز قرارداد منعقد کنند. در این میان، رابطه اعضا و سازمان باید به گونه‌ای باشد که از طرفی سازمان آزادی عمل داشته باشد و از سویی به صورت کلی از مؤلف و هنرمند سلب حق نشود، لذا ایجاد موازنه در این رابطه بسیار مهم است. به طور مثال، در برزیل عضویت هم‌زمان در بیش از یک انجمن مدیریت جمعی ممنوع است (بند ۱ ماده ۹۷)، ولی هر عضو می‌تواند با اعلام کتبی انجمن خود را تغییر دهد (بند ۲ ماده ۹۷).

افزون بر مورد اخیر، در برخی کشورها صاحب حق می‌تواند اعمال بعضی حقوق خود را به یک سازمان و بعضی حقوق را به سازمان دیگر واگذار نماید. در کشورهای نظام حقوق عرفی مانند هندوستان، معمولاً دارندگان حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌توانند اجازه اداره حقوق یا جمع‌آوری حق‌الامتیاز یا هر دو را به یک یا چند انجمن بدهند و می‌توانند مجوزهای انحصاری یا غیر انحصاری با قلمرو متفاوت را اعطا نمایند. علاوه بر این، هر عضو می‌تواند بدون لطمه به حقوق مصرح انجمن در قرارداد، از عضویت انصراف دهد (بند ۱ ماده ۳۴). همچنین اعطای اجازه به یک انجمن نافی حق صاحب آن نیست (بند ۳ ماده ۳۳)، لذا این مقررات تلاش می‌نمایند موازنه مذکور را به منصفه ظهور رساند و مرزی مفید را میان دو طرف ترسیم نماید.

علاوه بر این، اعضا در برخی کشورها می‌توانند در ساختار سازمان نیز مداخله کرده و رهبری سازمان را تحت تأثیر قرار دهند. چنانکه در فرانسه، گروهی از اعضا (حداقل یک‌دهم) می‌توانند به انتخاب کارشناسان اعتراض نمایند. این اعتراض به طرفیت دادستان، شورای کار، حسابرس و شورای اداری مطرح می‌شود. همچنین گزارش مذکور در اولین مجمع عمومی ارائه می‌شود.

در بعضی از کشورهای نظام حقوق عرفی، مانند کشورهای اروپای شمالی نظام مجوز جمعی گسترش‌یافته^{۱۲} یک نظام منحصر به فرد است. این نظام دارای فلسفه خاصی است: اولاً امتیازات مطلوبی را برای گروه‌هایی از مصرف‌کنندگان مانند بخش آموزش فراهم می‌آورد و فرصت کم‌نظیری را برای دستیابی به آثار ایجاد و پرداخت ما به ازای صاحبان حق را تضمین می‌نماید. این نظام مناسب جوامع منسجم و منظم است و می‌تواند در چارچوب تعیین‌شده ضمن تأمین منافع صاحبان حق، دسترسی به آثار را نیز فراهم نماید. این سازمان‌ها در کانادا خیلی بزرگ نیستند^{۱۳}، اما قادرند نوع خاصی از اجازه را به مصرف‌کنندگان اعطا نمایند. در عین حال به اداره حقوق قانونی صاحبان حق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط می‌پردازند که این مدیریت به صورت غیر انحصاری است، مگر آنکه صاحب حق صریحاً این انحصار را اعلام نماید. در نظام سنتی مدیریت جمعی، صاحب حق باید انتخاب نماید که در سازمان مشارکت داشته باشد، اما در نظام جدید نیازی به اعلام صریح ندارد.

در کشورهای نظام حقوق عرفی اروپای شمالی، مجوز جمعی گسترده، یک انتقال ارادی را با یک توسعه حقوقی گسترده ترکیب می‌نمایند و در نهایت شامل صاحبان حق غیر عضو نیز می‌گردد. این نظام یک مجوز حقوقی پشتیبان است، اما نباید در تبیین آن اغراق کرد، زیرا ممکن است یک صاحب حق خروج از نظام را

برگزیند، لذا این نظام مجوز اجباری نیست. پس این سیستم می‌تواند تعداد قابل ملاحظه‌ای از صاحبان حق را دربر گیرد که با مدیریت جمعی حقوقشان موافق هستند، اما دامنه صاحبان حق شامل اشخاص خارجی و حتی مؤلفان و هنرمندان مرحوم نیز می‌شود.

بنابراین در مقام مقایسه دو نظام حقوق عرفی و نظام حقوق نوشته باید گفت مجوز غیر انحصاری و اختیارات گسترده نظام حقوق عرفی از انعطاف بیشتری در مقایسه با نظام انحصاری با اختیارات محدودتر نظام حقوق نوشته برخوردار است. البته در مقام عمل باید با توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی هر کشور یکی از موارد یا ترکیبی از دو نظام را برگزید.

۴- تکالیف سازمان مدیریت جمعی در برابر اعضا

به طور کلی، سازمان مدیریت جمعی دارای مجوز جهت اجرای حقوق مؤلفان و هنرمندان بوده و تمرکز اصلی سازمان بر اعمال حقوق صاحبان حق است. در برخی از کشورها، مانند چین این امر صراحت دارد و یک سازمان مدیریت جمعی، سازمان غیر انتفاعی است که باید اجازه صاحبان حق را دریافت نماید (ماده ۸ قانون کپی‌رایت). در این زمینه سازمان می‌تواند به اقامه دعوی یا به صلح و سازش با طرفین صاحبان حق بپردازد، اما معمولاً یکی از وظایف اصلی گردآوری حق‌الامتیاز است که به اجرای حقوق مادی مربوط می‌شود. با این وجود، هر سازمان باید برای اعمال هر کدام از موارد مانند حق اقامه دعوی یا جمع‌آوری حق‌الامتیاز از صاحب حق کسب اجازه نماید یا به موجب مقررات ملی یا قرارداد، اجازه ضمنی قابل استنباط باشد. در فرانسه، سازمان‌ها به اقامه دعوی جهت دفاع از حقوقی که مسؤول حفاظتشان هستند، می‌پردازند و دعوی مذکور پس از ۱۰ سال دچار مرور زمان می‌شود. در برزیل، اعضا، انجمن را به اجرای همه اعمال لازم

قضایی یا غیر قضایی برای دفاع از حقوق و جمع‌آوری حق‌الامتیاز ملزم می‌نمایند، البته در این کشور، دارندگان حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌توانند با اعلام قبلی به انجمن، شخصاً به اعمال حقوق خود بپردازند^{۱۴} (ماده ۹۸)، لذا در برخی کشورها، از اطلاق اجازه به سازمان می‌توان اسباب مورد نیاز اعمال حق را استنباط نمود.^{۱۵} هر سازمان می‌تواند موافقت‌نامه‌هایی را با سازمان‌های خارجی جهت پیگیری حقوق آثار خارجی داشته باشد و به خودی خود اجازه‌ای برای اعمال حق مؤلفان و هنرمندان خارجی متصور نیست. در کانادا^{۱۶} کشوری که نظام مجوز جمعی گسترده را برگزیده مجوز اعطایی دارای ویژگی‌های متفاوتی مانند موارد ذیل است:

- تعداد قابل توجهی از صاحبان حق را نمایندگی می‌نماید.
 - یک توافق‌نامه را برای همه صاحبان حق فراهم می‌نماید. به عبارت دیگر همه صاحبان حق عضو سازمان هستند، مگر آنکه صاحب حقی صریحاً عدم تمایل خود را اعلام نماید.
 - جواز استفاده از مجموعه آثار تحت پوشش خود را به کاربران می‌دهند و آنان بدون واژه‌ای به استفاده مبادرت می‌نمایند.
 - در هر زمان این امکان وجود دارد که صاحب حق از عضویت خود انصراف دهد و در این هنگام، استفاده از اثر ممنوع می‌گردد.
- بنابراین سازمان در کانادا از کلیه اختیارات لازم برای اداره حقوق برخوردار است و این در برابر سایر قوانین یک امتیاز خواهد بود. در برخی کشورها مدیریت مطلق حقوق به سازمان واگذار می‌شود و رابطه اعضا و سازمان مبتنی بر تراست است و این بدان معناست که مدیریت این حقوق به سازمان واگذار می‌شود، لذا در اینجا، حق اقامه دعوی در موارد نقض حق از سوی صاحب حق محل مناقشه است. در یک مورد دادگاه عالی بخش مدنی چین در اختلاف مطروحه میان

سازمان مدیریت جمعی آثار موسیقی و صاحبان حق، حق را ابتدائاً برای سازمان و در موارد قصور آن برای صاحب حق می‌داند.^{۱۷} بنابراین پیشنهاد می‌شود، اگر قرارداد در این زمینه ساکت است حق مذکور برای سازمان وجود داشته باشد. در کشورهای نظام حقوق عرفی معمولاً سازمان از همه اختیارات لازم برای اجرای حقوق اعضا برخوردار است، اما در کشورهای رومی - ژرمنی سازمان باید در چارچوب قرارداد منعقد با عضو رفتار نماید. از این رو چالش تفسیر قرارداد در کشورهای نظام حقوق نوشته بیشتر مطرح است.

۵- خروج اعضا از سازمان مدیریت جمعی

در ابتدا به نظر می‌رسد که خروج باید کاملاً در اختیار صاحب حق و به میل وی باشد، اما در این شرایط نمی‌توان اطمینانی را برای مجوزهای سازمان قائل شد و فعالیت آن با ریسک همراه می‌گردد و کاربران نمی‌توانند آینده روشنی برای بهره‌برداری خود تصور نمایند، لذا پیش‌بینی دوره عضویت مشخص می‌تواند به تثبیت حق کاربران کمک نماید. این امر در برخی کشورها به سکوت برگزار شده است. به طور مثال در کانادا مقرر قانونی وجود ندارد و تابع قواعد داخلی هر سازمان است، اما در بعضی از کشورهای نظام حقوق نوشته مجوز صاحب حق تا سه ماه پس از آنکه وی قصد انصراف از عضویت را دارد باقی است^{۱۸} یا در برخی کشورها، صاحب حق قراردادی را حداقل به مدت پنج سال با سازمان امضا می‌نماید و برای فسخ آن باید طی اظهارنامه مکتوب قصد خود را به سازمان اعلام نماید. در این میان، صاحب حق باید حداقل دو سال بعد از عضویت صبر نماید تا بتواند اظهارنامه را ارسال کند.^{۱۹} به طور کلی در کشورهای حقوق نوشته مقررات مشخصی برای خروج وجود دارد، ولی در کشورهای حقوق عرفی آزادی عملی بیشتری برای اعضا وجود دارد.

ب - سازمان مدیریت جمعی و کاربران

در این بخش، رابطه سازمان با کاربران و به ویژه کاربران خارجی، کیفیت و کمیت قراردادها و سیاست قیمت‌گذاری می‌تواند مورد پرسش باشد. در موارد مختلفی مشاهده شده است کاربران در خصوص هزینه‌گزافی که از سوی سازمان‌ها دریافت می‌شود، شکایت دارند. به طور مثال مالکان فرانسوی یک باشگاه شبانه مدعی هستند اگر مستقیماً از سازمان خارجی مجوز کسب می‌کردند به صرفه بود یا تنها تمایل دارند به بخشی از آثار دسترسی داشته باشند^{۲۰}، لذا سازمان باید اهداف آن‌ها را تأمین نماید. انعطاف در پرداخت حق‌الامتياز نیز می‌تواند بر حسب درآمد کاربر، میزان استفاده از اثر و ماهیت تجاری یا غیر تجاری بودن کاربر، تحلیل گردد.^{۲۱}

همچنین کاربران متقاضی استفاده از مجموعه آثار باید با سازمان قرارداد منعقد نمایند. معمولاً کاربران باید به قراردادهای سازمان ملحق شوند. در فرانسه قرارداد با کاربران یک سند تابع قانون مدنی است. همین مقرر در سایر کشورها مانند امارات متحده عربی نیز وجود دارد (ماده ۳۱). به طور کلی سازمان‌ها نباید میان کاربران تبعیض قائل شوند (مانند ماده ۳۱ قانون کپی‌رایت امارات) و از سویی باید امکان دسترسی به مجموعه کاملی از آثار را داشته باشند (مانند آنکه به موجب ماده L321-7 قانون مالکیت فکری فرانسه کاربران بالقوه می‌توانند از مجموعه کامل مؤلفان فرانسوی و خارجی استفاده نمایند).

همچنین پرداخت حق‌الامتياز یکی از تکالیف کاربران در برابر سازمان است که تابع شرایط قراردادی است. در برخی کشورها تخفیف‌هایی نیز برای کاربران وجود دارد، مثلاً در امارات در دو مورد اعمال تخفیف برای کاربران مجاز است: بهره‌برداری از اثر در ارائه زنده عمومی به وسیله مجری، بهره‌برداری از اثر برای فعالیت‌های

فرهنگی یا آموزشی بدون داشتن منفعت مستقیم یا غیر مستقیم (ماده ۳۱). در این بخش به نظر می‌رسد که تفاوت ماهوی مهمی میان نظام‌های حقوقی وجود نداشته باشد.

ج - نقش دولت در سازمان مدیریت جمعی

نقش دولت در ایجاد و فعالیت‌های سازمان از تنوع برخوردار است و نظارت دولت از مراحل تأسیس تا کنترل ماهوی فعالیت‌های سازمان و احیاناً مداخله جهت انحلال سازمان تحقق می‌یابد. چنانکه دکتر فیشر دستیار پیشین دبیر کل سازمان جهانی مالکیت فکری در تعریف مدیریت جمعی تصریح می‌نماید در چارچوب نظام اداره جمعی، مالکان حق به سازمان‌های مدیریت جمعی اجازه می‌دهند تا به اداره حقوقشان بپردازند. به عبارت دیگر، این سازمان‌ها استفاده از آثار را رصد و با مصرف‌کنندگان آتی مذاکره کرده و به آن‌ها اجازه استفاده از آثار را تحت شرایطی خاص و در برابر پرداخت ما به ازا می‌دهند، عوض را جمع‌آوری و آن را در میان مالکان حق توزیع می‌نمایند، اما موقعیت انحصارگونه این سازمان‌ها این زمینه را ایجاد می‌کند که دولت بر آن‌ها نظارت داشته باشد. این نظارت می‌تواند در قالب کنترل تعرفه‌ها یا حتی در مرحله تأسیس سازمان‌ها و بعضی فعالیت‌های آنان باشد.^{۲۲} در این میان به نظر می‌رسد گرایش نظام‌های مختلف به خصوصی‌سازی و برون‌سپاری فعالیت‌ها، کاهش تصدی‌گری دولت و گرایش‌های ناشی از اقتصاد دولتی در این میان اثرگذار است. در بعضی از کشورها نظارت دولت جنبه نظارت اطلاعی دارد، به طور نمونه در ترکیه، انجمن‌ها باید کلیه اطلاعات اعضا و آثار را هر سه ماه به دولت اطلاع دهند (ماده ۴۲) و در این‌باره دولت نظر یا تصمیمی را اعلام نخواهد کرد و این بدان معناست که دولت مداخله جدی در سازمان انجام

نمی‌دهد، ولی در بعضی دیگر از موارد نظارت استصوابی نیز قابل مشاهده است که در سطور بعد به آن اشاره می‌شود. معمولاً در بیشتر موارد مجوز تأسیس سازمان از سوی دولت اعطا می‌گردد و اعمال حاکمیت در لحظه حیات سازمان تحقق می‌یابد. به طور مثال در کره جنوبی، برای تأسیس خدمات مدیریت کپی‌رایت، کسب مجوز وزارت فرهنگ، ورزش و گردشگری لازم است (بند ۱ ماده ۱۰۵). در کشورهای اتحادیه اروپا میزان نظارت دولت متفاوت است، اما در حداقل ۱۱ کشور از ۱۵ کشور تصویب تشکیل سازمان با دولت است. (جرویس، ۲۰۰۳ م.)

فرایند ثبت در برخی کشورها مانند سوئد و انگلیس وجود ندارد در حالی که در پرتغال و ایرلند ضروری است. در آلمان این وظایف به عهده اداره ثبت اختراع است، اگرچه در بیشتر کشورها به عهده وزارت فرهنگ و یا نهادهای فرهنگی است. در استرالیا با وزارت آموزش، در بلژیک با وزارت دادگستری و در لوکزامبورگ با وزارت اقتصاد است. (جرویس، ۲۰۰۳ م.) در فرانسه نقش دولت در روند تأسیس سازمان مدیریت جمعی جدی است و سازمان‌ها باید پیش‌نویس مقررات خود در خصوص جمع‌آوری و توزیع حق‌الامتياز را به وزارت فرهنگ تسلیم نمایند. وزارت مذکور نیز ظرف یک ماه از دریافت، اعتراض خود به تأسیس سازمان را به دادگاه صالحه اعلام می‌نماید. دادگاه نیز در رسیدگی خود صلاحیت مؤسسين، ظرفیت‌های مادی و انسانی آن‌ها را بررسی می‌کند تا از قابلیت‌های آنان برای جمع‌آوری حق‌الامتياز و اداره مجموعه خود اطمینان حاصل نماید. بنابراین در فرانسه اثربخشی مداخله دولت از طریق دستگاه قضا اعمال می‌شود و دولت نمی‌تواند مستقیماً مانع از تأسیس گردد. همین نقش غیر مستقیم در خصوص انحلال نیز تحقق می‌یابد و وزارت فرهنگ می‌تواند تقاضای انحلال سازمان را به دادگاه تسلیم نماید. دادگاه

در این زمینه می‌تواند در صورت نقض مقررات قانونی، دستور توقف فعالیت‌های سازمان را به ویژه در جمع‌آوری حق‌الامتیاز صادر نماید. در آلمان، مقام ناظر در مواردی مانند نقض مکرر تعهدات علی‌رغم اخطار قبلی می‌تواند مجوز تأسیس سازمان را لغو نماید (بخش اول، ماده ۳).

در ۱۲ کشور اتحادیه اروپا اداره‌ای از سوی وزارت فرهنگ متصدی نظارت بر عملکرد سازمان‌های مدیریت جمعی است. در ۵ کشور بلژیک، دانمارک، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند، مقام عالی ناظر می‌تواند در جلسات تصمیم‌گیری سازمان شرکت کند. در ۴ کشور بلژیک، دانمارک، آلمان و هلند نظام توزیع درآمد برخی یا تمام سازمان‌های مدیریت جمعی باید به تصویب مقام ناظر برسد. (جرویس، ۲۰۰۳ م.)

اما در برخی کشورها مانند آلمان و امارات مداخله دولت بسیار پررنگ‌تر بوده و نقش حاکمیتی دولت به صورت اساسی نمایان می‌گردد. طبق ماده ۴-۲ قانون اداره حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط آلمان، اداره ثبت اختراع آلمان، تشکیل سازمان را تصویب و آن را منحل می‌کند. این اداره می‌تواند اعضای هیأت مدیره را تعیین و در صورت عدم صلاحیت آن‌ها برای انجام وظایف محوله با تعیین مهلتی ترک مسؤولیت آن‌ها را بخواهد.^{۳۳} در این مهلت مقام ناظر از فعالیت این فرد برای جلوگیری از ضررهای احتمالی ممانعت به عمل خواهد آورد. در امارات انجمن‌ها باید سالانه مجوز لازم را از دولت کسب نمایند و دولت می‌تواند در تعرفه استفاده از اثر، اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی و... مداخله نماید (ماده ۳۲) و در صورت عدم رعایت مقررات یا تصمیمات دولتی، دولت می‌تواند مجوز را لغو کند (ماده ۴۲). مشابه با این مقررات در ترکیه نیز (دخالت خفیف‌تر)، انجمن‌ها در موضوعات مالی و اداری تحت نظارت دولت هستند. علاوه بر آن، دولت می‌تواند رعایت وظایف و تکالیف انجمن‌ها را بررسی نماید و به انجمن اعلام کند که بازرسی

و حسابرسی از انجمن توسط شرکت مستقلی صورت گیرد (ماده ۴۲ ب). همچنین در طول بازرسی باید کلیه اسناد و اطلاعات درخواستی از سوی حسابرس در اختیار آن‌ها قرار گیرد.

در بعضی از قوانین سلسه مراتبی در مداخله دولت پیش‌بینی شده است چنانکه در ترکیه اگر انجمن‌ها در انجام تکالیف قانونی خود قصور ورزند، به صورت کتبی به آن‌ها اعلام می‌شود و سی روز برای جبران فرصت است. اگر قصور در این مدت برطرف نشود، اخطار دوم ارسال شده و مجدداً سی روز برای جبران فرصت خواهند داشت، اما اگر مشکلات مرتفع نشود، بایستی ظرف حداکثر سه ماه مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل شود. تا زمان تشکیل جلسه نیز مسؤولان متخلف از سمت خود منفصل شده و دولت انتصابات جدیدی را انجام داده یا افراد علی‌البدل جایگزین می‌شوند (ماده ۴۲ ب).

در برخی کشورهای نظام حقوق عرفی مانند هندوستان، فلسفه نفع‌گرایی در اعطای جواز تأسیس تعیین‌کننده است و دولت با هدف پیشرفت ملی به موازات تشویق صاحبان حق در مورد صدور اجازه و بعضاً انحلال سازمان تصمیم‌گیری می‌نماید. در هند تقاضای ثبت انجمن به مقام ثبت‌کننده کپی‌رایت تقدیم می‌شود. در قانون این کشور تأکید شده که دولت با لحاظ منافع جامعه و صاحبان حق و توانمندی‌های متقاضیان ثبت، مبادرت به ثبت انجمن نماید و معمولاً در این زمینه، بیش از یک انجمن را ثبت نمی‌نماید. اگر دولت تشخیص دهد که اداره انجمن مضر به منافع دارندگان حق است، می‌تواند ثبت را بی‌اثر کند (بند ۴ ماده ۳۳). به طور کلی می‌توان گفت در کشورهای رومی - ژرمنی دخالت دولت بیشتر و مستمرتر از کشورهای نظام حقوق عرفی است، اما در کشورهای حقوق عرفی، دخالت دولت مضیق‌تر و با لحاظ منافع ملی صورت می‌گیرد.

د - سازوکارهای نظارت غیر دولتی

علاوه بر نظارت‌های دولتی که به عنوان یک نیروی بازدارنده بر فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی نظارت می‌نماید، معمولاً سازوکارهای نظارتی از درون مانند قراردادهای فیما بین، ارزیابی هیأت بازرسی و امکان اقامه دعوی نیز از ابزارهای کنترلی و نظارتی تلقی می‌شوند.

۱- قراردادهای

یکی از ابتدایی‌ترین ابزارهای نظارتی، قراردادهای دقیق و جامع و مانعی است که در آن تعهدات و تکالیف طرفین به صورت صریح پیش‌بینی می‌شود. به طور مثال در فرانسه موارد کاهش حق الامتیاز باید در اسناد قانونی سازمان درج شود. همچنین باید هیأتی از اعضا یا خارج از سازمان به انعقاد قرارداد با کاربران بپردازند.

۲- هیأت بازرسی

یکی از مهم‌ترین ناظران سازمان، بازرسان یا نهادهای نظارتی داخلی هستند که بر فعالیت‌های سازمان نظارت می‌نمایند. در فرانسه کمیته ویژه‌ای به مدت ۵ سال به نظارت بر جمع‌آوری حق الامتیاز می‌پردازد و باید به مقامات دولتی گزارش دهد. در اجرای وظایف کمیته، حسابرس یا بازرسین نیز باید مساعدت نمایند. در این کمیته نمایندگان دولتی مانند نماینده وزارت دارایی یا فرهنگ و همچنین حسابرسان ارشد عضویت دارند. در مقررات فرانسه برای تثبیت قدرت نهاد نظارتی، ضمانت اجراهای کیفری نیز در نظر گرفته شده است و هر کس مانعی در راه وظایف کمیته ایجاد نماید با مجازات کیفری یک سال حبس و جزای نقدی روبرو می‌شود. چنین نهادی در برزیل، در دفتر مرکزی انجمن مستقر بوده و از طریق بازرسی اعمال می‌شود و وی از دریافت هر گونه وجه منع شده و ترک وظایف

نظارتی از جانب بازرس منجر به انفصال و متعاقباً مجازات‌های حقوقی و کیفری خواهد شد (بند ۵-۴ ماده ۹۹).

۳- امکان شکایت از سازمان

علاوه بر این موارد، شکایت از سازمان به دادگاه صالح نیز می‌تواند بر تصمیمات و عملکرد سازمان مؤثر باشد. دادگاه نیز می‌تواند از ضمانت اجرای تعلیق فعالیت در مواردی مانند دریافت مازاد بر تعرفه، ضمانت اجرای تعطیلی در مواردی مانند اخذ مجوز تأسیس از طرق غیر قانونی، فعالیت پس از تعلیق استفاده نماید (بند ۲ ماده ۱۰۹ قانون کپی‌رایت کره جنوبی).

آنچه به عنوان ابزارهای نظارتی بیان شد، عمدتاً در کشورهای حقوق نوشته روی می‌دهد و معمولاً در نظام حقوق عرفی مقرر صریحی در این موارد نیست و همه موارد در قرارداد پیش‌بینی خواهد شد.

ه- سازمان مدیریت جمعی و حق الامتیاز

معمولاً در بسیاری از کشورها بر میزان حق الامتیاز، کمیت و کیفیت آن، نحوه وصول، مصرف و توزیع نظارت صورت می‌گیرد، اما این نظارت می‌تواند قلمرو متفاوتی را تجربه نماید. در برخی کشورها دولت خود نرخ‌هایی را اعلام و سازمان نمی‌تواند بیشتر از آن تعیین نماید. علاوه بر این در بعضی کشورها، مواردی از مجوزهای اجباری نیز وجود دارد که مسؤولیت جمع‌آوری حق الامتیاز آن با سازمان‌ها است. همچنین فرایند مصرف و توزیع حق الامتیاز نیز در کشورهای مختلف گوناگون است. بنابراین در بخش پیش رو، مقررات مربوط به تعیین تعرفه، پرداخت حق الامتیازها و مجوز اجباری بررسی خواهد شد.

۱- تعیین تعرفه

در میان کشورهای حقوق‌نویسته، دیدگاه‌های مختلفی در تعیین تعرفه وجود دارد. به طور مثال در چین دولت بر نرخ تعرفه سازمان نظارت می‌نماید و نرخ سازمان نباید بیشتر از نرخ اعلامی توسط شورای دولتی بخش اداره کپی‌رایت باشد^{۲۴}، اما در ترکیه، انجمن‌ها باید با بررسی رویه‌های بین‌المللی و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، تعرفه را در سطح معقولی تعیین نمایند (ماده ۴۲). همچنین پس از تعیین تعرفه در آلمان سازمان‌ها موظفند تعرفه هزینه‌هایی را که بابت حقوق و دعاوی دریافت می‌کنند در جداولی منتشر نمایند و هرگونه تغییر و اصلاح در این جدول را در روزنامه رسمی اعلام نمایند.^{۲۵} در کشورهای حقوق‌عرفی معمولاً دولت در این زمینه مداخله ندارد و تعرفه در بازار تعیین می‌شود، لذا معمولاً مقررات مشخصی مشاهده نمی‌شود.

۲- پرداخت و مصرف حق‌الامتیازها

در برخی کشورها مانند چین در پرداخت و توزیع حق‌الامتیاز، سازمان از شرکت‌های مرتبط با امر سنجش و پایش بازار استفاده می‌نماید تا از کمیت و کیفیت استفاده کاربران مطلع شود. به عبارت دیگر، پرداخت حق‌الامتیاز با کسب گزارش‌ها از سطح بازار در ارتباط است. در برخی دیگر از کشورهای حقوق‌نویسته نیز مقرر قانونی در تخصیص موارد مصرف وجود دارد، چنانچه در فرانسه ۲۵٪ نسخه‌برداری‌های شخصی و در مواردی که مؤلف شناخته نشود و... به سازمان تعلق دارد. توزیع حق‌الامتیاز با رأی دوسوم اکثریت است و به گزارش تأییدشده حسابرس نیاز دارد.

این گزارش باید به وزارت فرهنگ ارائه شود. در کشورهای نظام حقوق‌عرفی مانند کانادا، حق‌الامتیاز بین چند بخش تقسیم می‌شود: بخشی از حق‌الامتیاز به

سازمان‌ها و صنوف صاحب حق، بخشی به شخص صاحب حق به ویژه در مواردی که وی عضو رسمی سازمان نیست و سرانجام بخشی صرف در امور فرهنگی و اجتماعی می‌گردد. به نظر می‌رسد مورد اخیر از عرف‌ها و سنت‌های کشورهای کامن لایی محسوب می‌شود. در این قسم از کشورها کلیه سازمان‌ها مسؤول جستجو و پرداخت به صاحبان حق هستند و هیأت تجدید نظری نیز بر این امر که این تلاش معقول بوده است، نظارت می‌نماید. (جرویس، ۲۰۰۳ م.)

اگر صاحب حق تبعه کشوری است که در آن سازمان وجود دارد، حق‌الامتیاز می‌تواند برای آن سازمان ارسال شود تا از طریق آن به صاحب حق پرداخت صورت گیرد، ولی اگر صاحب حق تبعه کشوری است که سازمان مدیریت جمعی در آن نیست، سازمان باید از همه سازوکارهای رایج جستجو، مانند اینترنت، پایگاه‌های داده، اتحادیه‌های بین‌المللی و... بهره‌برد تا صاحب حق را پیدا نماید، البته اگر علی‌رغم تلاش‌ها، مؤلف و هنرمند پیدا نشود، حق‌الامتیاز وی تا مدتی (۵ سال) حفظ می‌شود. به این ترتیب، نام مؤلفان و هنرمندان در وب‌سایت منتشر یا با سازمان‌های خواهرخوانده توافق‌نامه منعقد و حق‌الامتیاز به آن‌ها پرداخت می‌شود. (جرویس، ۲۰۰۳ م.)

در دانمارک سازمان مدیریت جمعی برای نسخه‌برداری شخصی وجود دارد که به جمع‌آوری، مدیریت و توزیع حق‌الامتیاز مبادرت می‌کند و تعداد قابل ملاحظه‌ای از مجریان، تولیدکنندگان حامل‌های صوتی و عکاسان را نمایندگی می‌نماید.

این سازمان یک‌سوم حق‌الامتیازها را در صندوق خاصی برای فعالیت‌های عمومی سرمایه‌گذاری می‌کند (ماده ۳۹). در این کشور سازمان دیگری نیز وجود دارد که به مدیریت حق پخش رادیو و تلویزیونی حامل‌های صوتی می‌پردازد و بخشی از حق‌الامتیازها و آن‌هایی که تا ۵ سال ادعا نشده‌اند را صرف امور عام‌المنفعه

می‌نماید (ماده ۶۸) سازمان معروف کشور فنلاند^{۲۶} ۵۱٪ حق‌الامتیاز را به صاحبان حق، ۴۹٪ را به صندوق‌های مربوط به پروژه‌های اعتباری جمعی اختصاص می‌دهد. مبالغی که توسط صاحب حق ادعا نمی‌شود تا سه سال نگهداری و سپس به خزانه عمومی منتقل می‌شود. در آلمان، سازمان‌ها از محل حق‌الامتیازها باید یک صندوق بازنشستگی برای اعضای خود فراهم نمایند (جرویس، ۲۰۰۳ م.) و این مهم می‌تواند بیانگر توجه سازمان به آتیه اعضای خود باشد.

۳- مجوزهای اجباری

در مورد مجوزهای اجباری نیز سازمان‌های مدیریت جمعی به جمع‌آوری تعرفه می‌پردازند و در این هنگام نیازی به مذاکره با کاربران نیست (مانند پخش اثر توسط سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیونی - مواد ۴۲-۴۳ قانون کپی‌رایت ۲۰۰۱ چین). در این میان بعضی از کشورها از نظام مجوز اجباری استفاده نمی‌نمایند، چنانچه در فنلاند یا کانادا، مجوزها می‌توانند در بخش‌های مختلفی اعمال شوند و نیازی به مجوز اجباری نیست.^{۲۷}

نتیجه‌گیری

الگوی مجوز جمعی گسترده برای کشورهایمانند کانادا که صاحبان حق به خوبی مطلع و سازمان‌دهی می‌شوند، مفید است. اگر در کشوری بیشتر آثار از خارج وارد شوند، صرف وقت و هزینه برای کسب اجازه دشواری ایجاد می‌کند و این الگو می‌تواند این چالش را نیز حل نماید و نسبت به کلیه صاحبان حق داخلی و خارجی اعمال شود. همچنین این نظام می‌تواند توفیقات مطلوبی در گردآوری و توزیع حق‌الامتیاز کسب نماید. دخالت جدی دولت در نظام حقوق نوشته نیز می‌تواند از تضییع حق اعضا و کاربران جلوگیری نماید. مجوز غیر انحصاری و سازمان‌های متعدد در کشورهای حقوق عرفی هم می‌تواند با ایجاد رقابت و قدرت برای سازمان‌ها به اجرای منسجم و نیرومند حقوق مؤلفان و هنرمندان بی‌انجامد. با این وجود، ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشورها می‌تواند اقتضای خاصی را مقرر نماید. امروزه مرزهای نظام حقوق عرفی و نظام حقوق نوشته در هم ریخته و به روشنی نمی‌توان اوصاف اختصاصی را برای هر نظام احصا کرد، لذا در بسیاری از موارد یک سازمان در کشورهای نظام حقوق عرفی از اوصاف سازمان‌های نظام حقوق نوشته برخوردار است و بالعکس.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله حاضر کمال سپاسگزاری خود را از وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که با مساعدت‌های بی‌دریغ خود زمینه پژوهش حاضر را فراهم کردند، به عمل می‌آورند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این زمینه در آمریکا سه سازمان (ASCAP, BMI & SESAC) وجود دارد. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Lunney, G. (2010). *Copyright CMOs and Collecting Societies: The United States Experience*. Collective Management of Copyright and Related Rights. The Netherlands: Kluwer Law International BV, 342-345.

2. Associations of Owners of Authors' Rights and Neighboring Rights

3. Copyright Management Services

4. Licensing Body

5. Performing Rights Society

6. Law on the Administration of Copyrights and Neighboring Rights (Copyright Administration Law, as amended by the Law of June 23, 1995), Section 2, Art 6 (1).

7. Substantial, Considerable or Important

8. See: Commission Decision 71/224/EEC of 2 June 1971 relating to a proceeding under Article 86 of the EEC Treaty (IV/26 760 - GEMA), O.J. L. 134/15 of 20 Jun. 1971.

9. See: Case C-127-73 BRT v SABAM (1974).

۱۰. به طور کلی مجوزها بر دو نوع هستند: مجوز مجموعه‌ای (Blanket Licenses) و مجوز خاص (Specific Licenses). در مجوز اول مصرف‌کنندگان برای دوره زمانی خاص از همه آثار موجود در سازمان استفاده می‌نمایند، اما در مجوز خاص، مصرف‌کنندگان خاص در خصوص آثار خاص و در چارچوب خاص می‌توانند از آثار استفاده نمایند، لذا موضوع جواز موردی یا اختصاصی مطرح است.

11. See: WIPO, Original and Translated Versions. Available at: <http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=6340>. Last visited 20 December 2011.

12. The Extended Collective License System

۱۳. سازمان‌های مدیریت جمعی دارای اقسام کوچک و گسترده است، بعضی از این سازمان‌ها به ویژه در بخش موسیقی می‌تواند وسعت جهانی را تجربه نماید و این می‌تواند فرصتی استثنایی را برای صاحبان حق و مصرف‌کنندگان به منصفه ظهور برساند.

۱۴. همچنین انجمن ملزم است دفتر مرکزی برای اعمال حقوق در خصوص اجرای عمومی آثار موسیقی یا آوانگاشت‌ها شامل اجرا به وسیله پخش رادیو و تلویزیونی و انتقال از طریق ابزار یا نمایش آثار سمعی - بصری داشته باشد. دعاوی مطروحه نیز باید به نام انجمن و دفتر مرکزی مطرح شود (ماده ۹۹).

15. See: WIPO, Original and Translated Versions. Available at: <http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=6340>. Last visited 20 December 2011.

۱۶. اولین جامعه مدیریت جمعی مجریان با تسلیم مجموعه آثار موسیقی و دراماتیک مجاز به دفتر کپی‌رایت ایجاد شد. این جامعه طرح خود برای تعرفه‌ها را نیز ضمیمه نمود. شورای استاندارد می‌توانست تعرفه‌ها را بازنگری نماید. هیأت تجدید نظر کپی‌رایت در سال ۱۹۳۶ نیز نخستین نهاد در نوع خود و وظیفه آن در خصوص بازنگری و تأیید تعرفه بود. سازمان‌ها نیز ملزم به تسلیم فهرستی از آثار بودند. بعدها این هیأت قادر شد که مجوز غیر انحصاری استفاده از آثار بی‌نام را صادر و به اختلافات صاحبان حق و کاربران رسیدگی نماید.

17. See: Collective Management Organizations in China. Available at: http://www.sipo.gov.cn/zcfg/flfg/bq/sfjs/200804/t20080403_369335.html. Last visited 20 December 2011.

18. See: Senat, Les Organismes De Gestion Collective Allemagne. Available at: <http://www.senat.fr/lc/lc30/lc301.html>. Last visited 20 December 2011.

19. See: "Statutes of the Swedish Performing Rights Society STIM". Available at: <http://www.stim.se/stim/prod/stimsajt.nsf/AllDocuments/7B50AA91A42ABD53C1256BF30030C393>. Last visited 20 December 2011.

20. See: ECJ judgment in Case 395/87, Ministère public v. Tournier, (1989) E.C.R. 2521 [Tournier].

21. See: ECJ judgment in Case C-52/07, Kanal 5 Ltd and TV 4 AB, O.J. C. 32/2 of 7 Feb. 2009. Available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2009:032:0002:0003:EN:PDF>. Last visited 20 December 2011.

22. See: P. Katzenberger-1995- "Les divers' systèmes du droit de contrôle de la gestion collective de droits d'auteur dans les États européens," in R. Hilty, ed., La gestion collective du droit d'auteur en Europe (Berlin: Carl Heymanns Verlag, 1995), pp. 19-23.

23. Law on the Administration of Copyrights and Neighboring Rights (Copyright Administration Law, as amended by the Law of June 23, 1995) Section 3, Art 19 (3,4).

24. Interim Measures for Payment of Remuneration by Radio and Television Stations for Broadcasting Sound Recordings (no. 566, 2009). See: articles 4 and 8. Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=195087. Last visited 20 December 2011.

25. Law on the Administration of Copyrights and Neighboring Rights (Copyright Administration Law, as amended by the Law of June 23, 1995) Section II, Art 13(1).
26. GRAMEX
27. See: M.M. Krust, Finlande – Sommaire. Available at: <http://www.aidaa.org/matin/krust/finlande.html>. Last visited 20 December 2011.

فهرست منابع

- Bently, L. Sherman, B. (2009). *Intellectual Property Law*. 3rd ed. London: Oxford University Press, 298.
- Commission Decision 71/224/EEC of 2 June 1971 relating to a proceeding under article 86 of the EEC Treaty (IV/26 760 - GEMA), O.J. L. 134/15 of 20 Jun 1971 [GEMA I decision].
- Copyright Act, Enforced on July 23, 2009, Law No. 9625, 2009 (Korea).
- Copyright Law of the United States and Related Laws Contained in Title 17 of the United States Code. (2009).
- Copyright, Designs and Patents Act. (1988). Great Britain.
- Dietz, A. (2002). Legal Regulation of Collective Management of Copyright (Collecting Societies Law) in Western and Eastern Europe. *Journal of Copyright Society of the United States of America*. 49: 897-916.
- ECJ judgment in Case 395/87, Ministère public v. Tournier, (1989) E.C.R. 2521 [Tournier].
- ECJ judgment in Case C-52/07, Kanal 5 Ltd and TV 4 AB, O.J. C. 32/2 of 7 Feb. 2009. Available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2009:032:0002:0003:EN:PDF>. Last visited 20 December 2011.

- Gervais, D. (2002). Collective Management of Copyright and Neighbouring Rights in Canada an International Perspective. *Canadian Journal of Law & Technology*. 1: 21-50.
- Gervais, D. (2003). *Application of an Extended Collective Licensing Regime in Canada: Principles and Issues Related to Implementation, the Department of Canadian Heritage 2003*. 19, 30, 32-34. Available at: http://works.bepress.com/daniel_gervais/29. Last visited 20 December 2011.
- Gervais, D. (2011). The Landscape of Collective Management Schemes. *Columbia Journal of Law & the Arts*. 4: 1-28, 34, 423-449.
- Intellectual Property Code, Act No. 94-361 of 10 May 1994 art. 5I Official Journal of 11 May 1994 (France).
- Katzenberger, P. (1995). *Les divers systèmes du droit de contrôle de la gestion collective de droits d'auteur dans les États européens*, in R. Hilty, ed., *La gestion collective du droit d'auteur en Europe*. Berlin: Carl Heymanns Verlag.
- Law No. 9610. (1998). On Copyright and Neighboring Rights (Brazil).
- Law on Intellectual and Artistic Works, Law No. (2008). 5846 of 5.12.1951, Last amended Law No. 5728 (Turkey).
- Law on the Administration of Copyright and Neighboring Right (Copyright Administration Law). (1998). Text of September 9, 1965, as last amended by the law of May 8 (Germany).
- Lunney, G. (2010). *Copyright CMOs and Collecting Societies: The United States Experience*, in Gervais, D. (ed.), *Collective Management of Copyright and Related Rights*. Netherlands: Kluwer Law International BV.
- The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works. (1886).
- The Copyright Act. (1957). Amended by Act No. 49 of 1999 (India).

Toft, T. (2010). *Collective Rights Management in the Online World - A review of recent Commission initiatives, Brussels, DG Competition, 8 Jun 2006*. 12. Available at: http://ec.europa.eu/competition/speeches/text/sp2006_008_en.pdf. Last visited 20 December 2011.

یادداشت شناسه مؤلفان

زهرا شاکری: استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
پست الکترونیک: zshakeri@ ut.ac.ir

حکیمه محمدی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران، تهران، ایران.

A Review of the Legal Status of Collective Management Organizations in Today's World

Zahra Shakeri
Hakimeh Mohamadi

Abstract

Collective management organization is a consistent and collective kind of management of literary and artistic property rights that benefits authors and artists in situations of complexity and extent of access to the works. These organizations are facing with the diversity in different countries with regard to the political, social and cultural national. Recent paper attempts to study descriptive -analytical the organizations in different countries, differences and similarities of civil law and common Law systems and the establishment of the organization, the role of government in the organization, relationships with the organization's members and users, and finally to express their appropriate suggestions. Nevertheless, it is plausible that the traditional boundaries of civil law and common Law system metamorphosed and from each other, have been affected. Therefore, contemporary organizations will be a combination of both systems.

Keywords

Copyright, Collective Management Organizations, Authors and Artists, Royalty, Legal Systems